

## تأملی بر

### کار نامه ۹ سال بالنده گی نهضت آینده افغانستان

نهضت آینده افغانستان مشخصات جنبش چپ افغانی، نیروهای محرک آن، دشمنان آن، مراحل سیر گذشته و گرایش های تکامل آینده آن را به درستی دیده است، زیرا موضوع را بر پایه یک جامعه شناسی علمی، عینی گرا و انقلابی تحلیل کرده است. طی ده سال گذشته تعداد تحلیل های علمی در باره مسایل جاری جنبش انقلابی و دموکراتیک را منتشر کرده که تفصیلی ترین و مشخص ترین آنها در پرسش و پاسخ های منظم رییس نهضت آینده افغانستان و نیز مقاله های تحلیلی تفصیلی نشریه آینده منعکس است. باید گفت که این مواد با غنایی درخور آفرین، مسایل اساسی روزمره جنبش انقلابی چپ را مورد بررسی قرار داده، به همین دلیل بدون ترس از اشتباه و گزافه گویی میتوان گفت که نهضت آینده افغانستان از جهت تحلیل علمی روندهای انقلابی کشور ما آگاهترین و فعالترین نیروی سیاسی بوده و است. تحلیل های منتشره آینده هیچ گاه در عرصه تیوری بافی های تجریدی، جر و بحث، تنگ نظریها و ذهنیگریهای گروهی نمانده بلکه با صداقت و عینیت کوشیده همواره «چی باید کرد؟» مشخصی عرضه کند و یا دوری گزیدن از منفی بافی، ناامیدی و مأیوسیت پراگندن زیانبار، روش خلاق و سازنده داشته است و این نکته ساده یی نیست.

نهضت آینده افغانستان در مورد لجن پراگنی های اوباشانه و تهمت زنی های عجیب و غریب، متانت و خونسردی خود را حفظ کرده و همیشه سخنی را گفته است که برای انسان و جنبش واقعاً انقلابی لازم بوده و در پی خوشی خاطر و کین توزی و محاسبه خود

خواهانه نبوده است. به قول مولوی: هرکسی بر سیرت خود می تند، ما روش و شیوه های سیاسی خود را خود بر می گزینیم و از شیوه های کسی تقلید نمی کنیم، که شیوه مخالفان ما، یا آن عبارات میان تهی و پوچ خود آنان را ارزانی باد!

رواج دادن روحیه همبسته گی، مهر ورزیدن، همکاری و دیگری را ارزش گذاشتن و کوشیدن برای این که همه احساسات نا ملایم از جمله دشمنی، فریب، خود خواهی و بد بینی را رها کنیم تا بتوانیم به تفکر درست، عینی، خونسردانه و منطقی فایق آییم، بخشی از خدمات دیگر نهضت آینده افغانستان میباشد.

نویسنده گان و روزنامه نگاران کمی نیستند که روز و روشنایی را نمی پسندند، از نظر شان اگر زحمتکشان و محرومان در درد و داغ در معلول غرق و در خود فرو روند و گوشه گیری اختیار کنند و پراکنده باشند، یأس و ناتوانی و رخوت را تا مغز و روان و جان شان تزریق کنند، به دنیای پندارگرایها و کلی بافی ها بر بال افیون و الکل و مواد مخدر و ساز و آواز خانقاهی و درویشی و به شکل غربی اش «دیسکویی» سیر بدهند تا بی خبران را بی خبر تر سازند که حاصل کار رنجبران همیشه در طول تاریخ بهره کشی به قارون ها و راکفلر ها و فورد ها و دیگر امپراتوران سرمایه واگذار گردد و خود آفریننده ها ثروت مادی و معنوی جوامع با بوریای پاره و درد و رنج خویش بسازند و بسوزند و درویشی پیشه کنند و دنیا و هر چی در آن است را به استثمار گران و مردم فریبان واگذارند، اینان به گونه نیهیلیستی در پرده یی و هم انگیز خیال و تیره گی دنیا را پوچ و بی ارزش تبلیغ میکنند.

« زنده گی صحنه یکتای هنرمندی ماست

هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوست بجاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد »

مولوی، هشت سده پیش، رقص عصیان آمیز و رمزگونه ای را در برابر نیروی باز دارنده  
بی زمانه در میانه میدان به پا میکند و از خود بیخود و برآشفته در برابر خان مغول و  
تاتار و امیر عرب و خلیفه عثمانی و دیگر قدرتهای دوران آرزوی رستم دستان را دارد و  
شیخ و شاه را به مسخره میگیرد و بی ارزش شان میداند و توده های را که در غم  
بزرگشان به بنده گی و بی اراده گی و به تسلیم عادت گرفته بودند و به خود باور شان  
نبود و امید و جنبشی در خود نمی دیدند، روشنگری میکرد، به خویشتن بازشان  
میخواند که چی بیفایده و در پی هیچ سرگردانید، خویش را دریابید و بجوئید که همه  
چیز شمائید و جز انسان کسی نیست آفریده گاری، که:

آنها که طلبکار خدائید، خدائید

بیرون زشمانیست شمائید شمائید

چیزی که نکردید گم از بهر چی جوئید

وندر طلب گم نشده بهر چرائید

اسمید و حرفید و کلامید و کتابید

جبرئیل امینید و رسولان سمائید

و ناصر خسرو قبادیانی شاعر و روشنفکر انقلابی پیشه وران و رنجبران را در قرن نهم  
میلادی که بیداد فیودالیسم و تعدی و تجاوز غازیان دین و دولت از کشته ها پشته  
میساختند و کله منارها! بانک بر می آورد و عده روز بازگشت و حساب و کتاب دروغین  
را که گوش خلق را پر کرده بود زیر پرسش قرار میداد و انکار میگیرد که:

نعمت منعم چراست دریا، دریا محنت مفلس چراست کشتی، کشتی؟

و رنجبران راعلیه ستم فیودالیزم و جهانبینی اش بر می انگیخت و به شهر ها و دهات  
خراسان، آسیای میانه، مصر و شام و عراق، آواره و زیر زمینی میگذاشت و به افشای

خلیفه و امیر و ولی دین میپرداخت و دهقانان و محرومان را به قیام و خیزش فرامیخواند و از پوچ اندیشی به خود شان می آورد و به این دنیای شان میخواند:

حقیقت بجوی از سخنهای علمی	فسانه چو دیوانه چون گوش داری؟
به چشمت همی مارماهی نماید	ازیرا تو در جهل سر پُر خماری
چو از شیر و انگبین و خورش ها	سخن بشنوی خوش بگیری به زاری
امیدت به باغ بهشت و زیرا	که در آرزوی ضیاع و عقاری
بیندیش از آن خر که بر چوب منبر	همی پا میکوبد بر الحان قاری
بدان رقص و الحان همی بر تو خندد	تو از رقص آن خر چرا سوگواری
چرا نسپری راه علم و حقیقت؟	به بیهوده ها جان و دل چون سپاری؟

نویسنده ها و همکاران قلمی نشریه آینده نباید کمتر از آنچه مولوی و ناصر خسرو برای بیداری محرومان گفتند بگویند.

محتوای نشریات نهضت آینده افغانستان خود نماینگر و گویای چند و چون آن از نظر سیاسی، اجتماعی و انقلابی و غیره میباشد، موضوعی که ارزیابی آن وظیفه پژوهشگران با صلاحیت است و نه نگارنده با این همه چون هر خواننده ای میتواند اظهار عقیده و نظری در حد درک و فهم و احساس و خوش آمدن و نیامدن خویشتن داشته باشد به نظرم نشریه های ما اگر ساده، روان، مردم فهم و همچون دُر و گوهر روشن و پر بها باشد تا زحمتکشان، جوانان، زنان، روشنفکران، همه و همه با سواد و کم سواد میل و عطش خواندن محتویات آن را داشته باشند. مضامین و مقاله های تحلیلی و علمی بیشتر به زبان روان و مردم فهم، گویای حقیقت های عینی و واقعیت های ساده روزانه مردم و رهنمود برون رفت از دشواری های موجود در جامعه و کشور باشد و به حق تعلق به مردم و ملت ما داشته باشد بهتر خواهد بود. نگارنده به این باور است که نجات واقعی مردم ما بیش از هر چیز در گرو آن است که روشنگری هر چی بیشتر نسل نو خاسته،

پویا و کوشای ما را، آگاهتر و آبدیده تر آماده حضور در آورد گاه سرنوشت ساز نهایی با دشمن آشتی ناپذیر و اهریمن میکند چی باک اگر در این تلاش مقدس آتش به جان شمع افتد و عاشقانه در خود سوخته باشد.

امیدوارم «آینده» پرتو امید و کوشش مبارزه را فروزان تر داشته و اندیشه های روشن و گرم و امید بخشی را که انگیزه دگرگونی ها و عامل بیداری و هوشیاری و روی آوردن مردم به سوی افکار متعالی و پیشرو مبتنی بر آزادی و عدالت خواهی را موجب گردد و در این کار از خرد جمعی، از تجربه مثبت و منفی خود و دیگران استفاده نماید.

15.04.2009

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)